

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی-کابل

۰۵ فیروزی ۲۰۲۰

جنگ لفظی طالب و امریکا، پایان یک آغاز؟؟

سه شنبه- ۱۵ دلو ۱۳۹۸ - کابل: در یادداشت امروز توجه شما را به جدال لفظی که بین "پمپئو" وزیر خارجه امپریالیسم امریکا و "ذبیح الله مجاهد" سخنگوی طالبان به وجود آمده جلب می نمایم. اما نخست:

*- پمپئو گفت: "قبلا یکبار به توافق نزدیکتر شده بودیم. توافقنامه که هر دو جانب اجراء کنند اما طالبان اراده یا ظرفیت یا هر دو را نداشتند تا کاهش خشونت را عملی کنند."

*- "ذبیح الله مجاهد" گفت: "روند مذاکرات را توییت ترمپ، خواستهای متعدد امریکا و اختلافات مسؤلان در واشنگتن و کابل با مشکلات مواجه ساخت. آقای پومپئو برف بام خود را بر بام ما نیندازد."

آنچه در ظاهر امر یک جدال لفظی در جریان یک مذاکره به نظر می رسد و همیشه در چنین مواردی اتفاق افتاده و باز هم اتفاق می افتد، هرگاه با دقت بدان نگریسته نشود، این طرف و یا آنطرف از درک ماهیت قضیه غافل مانده در تشخیص تکنیک حریف ناکام می ماند، در اینجا بحثم را نخست با یک مثال و توصیه مربوط آن آغاز می نمایم:

۱- در مناسبات خرید و فروش مسلم است به همان اندازه که برای خریدار درک روانشناسانه از فروشنده اهمیت دارد، به همان پیمانه برای فروشنده همان درک از خریدار نیز مهم می باشد. از همین رو به مثابه یک روش برای خریدار توصیه می شود و مشوره داده می شود، که حین جگره بالای قیمت، پول نقد و یا بدیل معامله خرید را مقابل چشم فروشنده قرار دهد. تحقیقات روانشناسانه نشان داده است که این حرکت یعنی پول را در معرض دید فروشنده قرار دادن بین ۱۰ الی ۲۰ درصد مقاومت فروشنده را کاهش می دهد.

۲- تطبیق چنین امری در دنیای سیاست هرچند قبل از رویکار آمدن ترمپ هم وجود داشته، مگر از زمان استقرار ترمپ در کاخ سفید، این برخورد بازاری و کاسبکارانه به خط اصلی مناسبات و روابط دیپلماتیک امپریالیسم امریکا مبدل شده است.

آنها در چنین مواردی جایی که مسایل پولی در میان باشد، همیشه از میلیارد ها منفعت طرف مقابل چنان حرف می زنند توگویی این مورچه های بی آزار را خدا خلق کرده تا به طرف مقابل نفع برسانند. اما در جایی که مستقیماً پای خرید و فروش و پرداخت پول در میان نباشد، آنها می کوشند طرف و یا طرفهای مقابل را به دنیای دیگری نوید دهند، که نتواند از آن بیرون شود.

۳- تطبیق این اصل در افغانستان: طالب که تا قبل از آغاز مذاکرات از ترس امریکا و شرکاء و فیصله های شورای امنیت ملل متحد، می بایست باترس و لرز در پناه نهاد های استخباراتی کشورهای میزباننش زندگی می نمود، با آغاز مذاکرات و عجله ای که امپریالیسم امریکا از رسیدن به یک توافقنامه از خود نشان داد، از زندگی مخفی و تحت تعقیب بریده در هر کجا پای گذاشت با فرش سرخ از جانب میزبانانش مورد پذیرائی قرار گرفت.

کسانی که فراری و مباح الدم شناخته شده بودند، فضاء قسمی برای آنها مساعد ساخته شد تا بتوانند در دنیای تخیلی بعد از موافقه با امپریالیسم زندگی نمایند. همزمان با آن امپریالیسم امریکا در جریان مذاکرات، خواستهایش را یکی پشت دیگری مطرح نموده، با گذاشتن پول مقابل فروشنده و ایجاد فضای ترس از این که اگر وی نخرد، هیچ کس دیگری نخواهد خرید، طالب را وادار به عقب نشینی متواتر نمود. در چنین فضائیتی که خواستهای دولت دست نشانده و حامیان امپریالیستی اش قدم به قدم و لحظه به لحظه فزونی می یابد.

چنانچه "غنی احمدزی" که در سالهای گذشته نه یکبار بلکه باربار اعلام داشت، حاضر است در هرجائی که طالب خواسته باشد بدون "قید و شرط" جهت مذاکره با آنها به دیدار شان برود. همچنین "ترمپ" چنان نمایش می داد که گویا مصمم است تا جهت رسیدن به صلح با طالب حتا تمام سربازانش را از افغانستان خارج نماید.

۴- تجربه مذاکرات فعلی و تاریخ مذاکرات امپریالیسم امریکا با نیروهای رقیب و دشمنش بارها نشان داده اند، که هدف از تمام این نمایشات و ادعاها، فعال ساختن چرخ مذاکرات است و هیچ نوع صداقتی در آن ادعاها وجود ندارد. آنها با این تکنیک می خواهند نخست روباه را از غار بیرون کشند، بعداً سرش را به سنگ بکوبند. بقیه همه شعبده بازی و فریبکاری های مروج در دنیای سیاست است.

بناء در اینجا پای انداختن برف بام کسی بر بام دیگری مطرح نیست، بلکه چیدن یک دام است که با دادن دانه و کشاندن شکار قدم به قدم به قدم به قربانگاه عملی می گردد. یعنی نه اختلافی بین "غنی احمدزی" و "خلیلزاد" وجود دارد و نه هم بین کاخ سفید و پنتاگون. کاخ سفید همان را می خواهد که پنتاگون و سیا طرح نموده اند، پنتاگون نیز همان را انجام می دهد که کاخ سفید دستور اجرای آن را صادر می نماید، بقیه همه فریب است و ریا.

طالب، حامیان و استادانش باید بدانند که در دام خطرناکی گیر مانده و طرف مقابل به مانند یک مریض روانی که از شکنجه قربانی اش لذت می برد باوی در آن دام بازی می کند.

هموطنان گرامی!

بادر نظر داشت این که امپریالیسم امریکا و بقیه شرکاء و دولت دست نشانده آنها تصور می کنند که گذشت زمان به نفع آنها عمل می کند و با گذشت هر روز و هر لحظه پایه های قدرت آنها بر مبنای فریب و سرکوب محکمتر شده رفته عکس آن نیروهای طالب از جنگ خسته و دلسرد خواهند شد، تلاش می ورزند با این تکنیک خریدار و فروشنده، طالب را با دم بازی دهند.

این که آنها چقدر موفق خواهند شد تا به اهداف شان برسند و یا نرسند نباید در موضع ما علیه امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی تغییری به وجود آورد. این را باید بدانیم که هر دو جناح چه در جنگ با یک دیگر باشند و چه در صلح، با مردم افغانستان دشمن اند و مردم افغانستان می باید جهت راندن و سرکوب هر دو طرف لحظه ای آرام ننشینند.

سرکها ما را می طلبد!!